



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۸۸

پاسخنامه

پایه :	۶	موضوع :	فقه ۵
تاریخ :	۸۸/۳/۲۶	ساعت :	۸

نام کتاب: شرح لمعه، از ابتدای کتاب الغصب تا اول کتاب المیراث

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. نظر شهید اول را تعیین کنید: فَإِنْ تَعَذَّرَ رَدُّ الْعَيْنِ لَتَلَفٍ وَنَحْوِهِ ضَمْنُهُ الْغَاصِبُ بِالْمَثَلِ إِنْ كَانَ مَثَلِيًّا وَالْأَلَّا فَالْقِيَمَةُ: الف ۴۰ متوسط
 - أ. العليا من حين الغصب الى حين التلف ■
 - ب. العليا من حين الغصب الى حين الرد □
 - ج. يوم التلف لا غير □
 - د. يوم الرد لا غير □
۲. المعادن الظاهرة تُملك والمعادن الباطنة تُملك ب ۱۸۷ متوسط
 - أ. بالتحجير - بالإحياء □
 - ب. بالحيارة - بالإحياء ■
 - ج. بالإحياء - بالإحياء □
 - د. بالتحجير - بالتحجير □
۳. به نظر شهیدین کدام گزینه از شرایط ملتقط نیست؟ ج ۷۴-۶۹ آسان
 - أ. بلوغ □
 - ب. عقل □
 - ج. در سفر نبودن ■
 - د. حریت □
۴. کدام یک از چهار حیوان زیر، برای شخص مضطرّ اولویّت اکل دارد؟ د ۳۵۸ فنی
 - أ. پلنگ مرده □
 - ب. گوسفند مرده □
 - ج. پلنگ ذبح شده □
 - د. گوسفندی که ناصبی آن را ذبح کرده است ■

تشریحی:

۱. اگر گوسفند موطوء در میان گله ای با ۵۰ گوسفند (= شبهه محصوره) معلوم نباشد، در روایات چه دستوری درباره آن داده شده است؟ اگر نصّ نداشتیم، علی القاعده حکم چه بود؟ ۲۹۸-۲۹۵ فنی
 ۱. گله را دو قسمت می کنیم و نام آنها را نوشته و قرعه می زنیم اسم هر دسته که بیرون آمد گوسفند حرام را در آن فرض می کنیم و دسته دیگر را کنار می گذاریم، باز این دسته را دو قسم نموده قرعه می زنیم و ... تا این که در نهایت یک گوسفند بماند، آن را ذبح کرده و می سوزانیم.
 ۲. در شبهه تحریمیه در فرض محصور بودن شبهه، اجتناب از جمیع اطراف واجب است به سبب وجود علم اجمالی به وقوع حرام در یکی از اطراف و سقوط همه اصل هایی که در اطراف شبهه جاری می شود.
۲. اگر کشمش را با آب بجوشانیم چه حکمی دارد؟ چرا؟ دو دلیل ذکر کنید. ۳۲۱-۲ فنی
 - گرچه العصیر العنبی إذا غلی یحرم امّا کشمش جوش آمده در آب پاک و حلال است زیرا: ۱. از مسمای غلب خارج شده پس حکم آن را ندارد.
 ۲. اصالت الحلّ در مورد آن جاری است. ۳. کشمش مذکور قبل از غلیان پاک و حلال بود، بعد از غلیان شک در حرمت آن داریم استصحاب می کنیم حلیّت آن را.

۳. ذکاة هر کدام به چه چیز است؟ ۲۵۲-۲۲۱ آسان

أ. گوسفند: ب. ملخ:

ج. ماهی: د. جنین گوسفند اگر تام باشد:

جواب: أ. ذبح شرعی. ب. اخذ آن حیاً. ج. اخراجه من الماء حیاً. د. ذکاة ذکاة أمّه.

* «(وَيَجِبُ عَلَيْهِ غَسْلُ مَوْضِعِ الْعُضَةِ) مِنَ الْكَلْبِ جَمْعاً بَيْنَ نَجَاسَةِ الْكَلْبِ وَإِطْلَاقِ الْأَمْرِ بِالْأَكْلِ. وَقَالَ الشَّيْخُ: لَا يَجِبُ لِإِطْلَاقِ الْأَمْرِ بِالْأَكْلِ مِنْهُ مِنْ غَيْرِ أَمْرٍ بِالْغَسْلِ وَإِنَّمَا يَحُلُّ الْمَقْتُولُ بِالْأَلَّةِ مُطْلَقاً إِذَا أُدْرِكَهُ مَيْتاً». ٢٠٦ فنی

٤. کلام شیخ طوسی را توضیح دهید. با توجه به قواعد اصولی، چه اشکالی بر آن وارد است؟

١. شیخ طوسی فرموده: محلی که سگ گاز زده و صید را گزیده لازم نیست تطهیر شود زیرا در آیه شریفه «كُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ» بطور مطلق امر به اكل صید نموده و دستور تطهیر نداده است. ٢. استفاده این حکم از آیه شریفه فرع بر تحقق اطلاق امر به اكل در آیه است و از نظر قواعد اصول این اطلاق محقق نشده است زیرا مقدمات حکمت در آن تمام نیست به علت این که آیه شریفه از حیث طهارت و نجاست صید اصلاً در مقام بیان نمی باشد پس از این حیث اطلاقی ندارد تا حکم به جواز اكل صید بدون تطهیر آن بشود.

٥. شهید اول در تعریف غصب فرموده: «هو الاستقلال باثبات اليد علی مال الغير عدواناً». هر یک از قیود تعیین شده، برای احتراز از چه چیزی است؟ ١٥-١٣ فنی

أ. استقلال:

ب. مال:

ج. الغير:

د. عدواناً:

١. استقلال: احتراز از موردی که به تنهایی بر مال دست نداشته باشد مانند دست گذاشتن بر لباسی که کسی آن را پوشیده؛ همچنین کسی را از دسترسی به مال خودش منع کند تا مال او تلف شود و خود مانع، دست بر مال نداشته باشد. ٢. مال: احتراز از جایی که انسان حرّی را نگهدارد به این غصب نمی گویند زیرا شخص حرّ مال نیست. ٣. احتراز از مواردی که عدواناً بر مال خودش دست یابد مثل این که مالی را رهن گذاشته و عدواناً آن را از دست مرتهن بیرون آورد. ٤. وکیل استیلاء بر مال موکل دارد - وصی استیلاء بر مالی موّلی علیه دارد و مستأجر استیلاء بر مال موجر دارد و هکذا ولی اینها به حق است نه عدوان، لذا غصب نیست.

* «در مورد آیدی متعاقبه بر مغضوب می فرماید: «ویرجع الجاهل منهم بالغصب إذا رُجع عليه علی من غره فسُلّطه علی العين أو المنفعة ولم يُعلمه بالحال، وهكذا الآخر إلى أن يستقرّ الضمان علی الغاصب العالم وإن لم تتلف العين فی یده». ٢٦ متوسط

٦. عبارت را کاملاً توضیح دهید. (ترجمه کافی نیست)

اگر مال مغضوب چند دست چرخید و در دست افراد مختلف قرار گرفت و بالأخره تلف شد صاحب مال قیمت مال خود را از هر کدام از این افراد می تواند بگیرد. حال کسی که قیمت مال را به صاحبش پرداخته اگر جاهل به غصبی بودن مال بوده می تواند به کسی که او را گول زده و مال غصبی را به او فروخته رجوع کند و پولش را از او بستاند زیرا او اعلام نکرده بود که این مال غصبی است و همچنین او می تواند به نفر قبلی رجوع کند تا آنجا که به فرد غاصبی که عالم به غصب بوده برسد و ضمان بر او مستقر شود گرچه مال مغضوب در نزد وی تلف نشده باشد.

* «لو اختلفا (الملتقط واللقيط) بعد البلوغ في الإنفاق فادّعاها الملتقطُ وأنكره اللقيطُ حلف الملتقط في قدر المعروف». ٧٩ فنی

٧. مدّعی و منکر را تعیین کنید. اگر اصل، عدم انفاق است چرا ملتقط قولش با قسم مقدم است؟

١. لقيط مدعی و ملتقط منکر محسوب می شوند، زیرا قول ملتقط موافق ظاهر است. ٢. گرچه اصل عدم انفاق است ولی ظاهر حال دلالت می کند که او مخارج طفلی را که یافته بوده و تا به حال در منزل او نگهداری شده، هزینه کرده است لذا در این جا این ظاهر حال بر آن اصل مقدم است پس قول ملتقط موافق ظاهر و در نتیجه او منکر است و قولش با قسم مقدم است.

۸. «وشروط الإحياء المملک للمُحیی سِتّة...» چهار شرط را نام ببرید. ۱۶۱-۱۵۵ متوسط

۱. انتفاء يد الغير. ۲. انتفاء ملك سابق. ۳. انتفاء كونه حريماً لعامراً. ۴. انتفاء كونه مشعراً أى محلاً للعبادة. ۵. قصد التملك. ۶. اذن الامام مع حضوره.
۷. وجود ما يُخرجها عن الموات. ۸. انتفاء كونه مقطوعاً من النبي(ص) أو للإمام. ۹. انتفاء كونه محجراً.

* «ومن المشتركات: المسجد وفي معناه المشهد فمن سبق الى مكان منه فهو أولى به مادام باقياً فيه، فلو فارق بطل حقّه». ۱۷۰ فنی

۹. فرع مذکور را توضیح دهید. اگر کسی به زور، جای شخصی را در مسجد گرفت و در آنجا نماز خواند، نمازش چه حکمی دارد؟ چرا؟

۱. یکی از اموری که بین همه مردم مشترک است مسجد است و مشاهد و حرم‌ها نیز در معنای مسجد داخل هستند، لذا اگر کسی زودتر در مسجد رفت و جایی را گرفت تا وقتی آنجا حضور داشت اولی است و کسی حق ندارد مزاحم او بشود اما اگر از آنجا رفت این حق اولویت او باطل می شود.

۲. اگر شخصی جای کسی را در مسجد به قهر و غلبه تصاحب کرد و نماز خواند بعضی معتقدند نمازش باطل است زیرا نماز عبادت است و باید مکانش مباح باشد و چون تصرف او حرام بوده پس این عبادت باطل است. اما برخی معتقدند نمازش صحیح است زیرا این مکلف یک کار حرام انجام داده و آن تصرف جای آن شخص است عدواناً و از بین بردن حق سابق، اما این فعل ربطی به نماز ندارد زیرا در نماز قصد قربت از او متمشی است و مکان هم مسجد است و ملک شخص خاصی نیست پس مباح است. و بعبارت دیگر ترکیب بین نماز و تصرف جای مردم ترکیب انضمامی است نه اتحادی.